

مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ، سال چهل و دوم، شماره پیاپی ۸۵/۴،
پاییز و زمستان ۱۳۸۹، ص ۳۱-۵۰

غلابی و روایات بازمانده از او*

دکتر محمدعلی چلونگر

استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

Email: ghelongar@yahoo.com

چکیده

غلابی در شمار نویسندگان شیعی مذهب قرن سوم است که روایات تاریخی بسیاری از طریق او در منابع شیعی و سنی نقل شده است. این نوشتار ضمن بررسی جایگاه روایات وی در منابع فریقین، در صدد است سبب نفوذ روایات او در منابع اهل سنت را -که در زمینه استفاده از روایات نویسندگان شیعی بسیار محتاطانه رفتار می کنند- بیابد. کثرت شاگردان این دانشمند که به لحاظ مذهبی دارای گرایشهای متفاوت و به لحاظ خاستگاه جغرافیایی از مناطق مختلفی همچون شام و عراق بوده اند و همچنین محتوای برخی روایات نقل شده از وی که همگرایی میان شیعیان و اهل سنت را تقویت می کند در رواج اقوال غلابی تأثیر بسزا داشته است. بررسی دلایل راه یابی روایات وی به منابع اهل سنت و میزان روایات راه یافته بدان منابع در این مقاله مورد کند و کاو قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: تاریخنگاری، اهل سنت، شیعه، روایات تقریبی.

تاریخ و تاریخنگاری در سده های سوم و چهارم هجری رواج چشمگیری داشته و نوشته‌هایی همچون *انساب الاشراف بلاذری* (م. ۲۷۹) و *تاریخ طبری* (م. ۳۱۰) در همین ایام پدید آمده است. شیعیان نیز هم پای دیگر گروه‌های مذهبی در این عرصه فعال بوده و نوشته‌های قابل توجهی به جهان اسلام عرضه کرده اند که با مراجعه به *رجال نجاشی* می توان فهرست بلندی از این آثار و نویسندگان آنها به دست آورد. متأسفانه این نوشته‌ها کمتر به جای مانده است. سرنوشت این آثار و بررسی چرایی نبود شدن این نوشته‌ها نیازمند بررسی و مطالعه جدی و مستقل است. در این میان نام برخی از نویسندگان شیعی در صدر اسناد روایات و گزارشهای بر جای مانده در کتب بعدی می تواند راهنمایی برای نوع فعالیت و میزان تأثیرگذاری فرد و نوشته‌هایش بر آثار بعدی باشد. شماری از محدثان و مورخان به عنوان چهره‌ها و راویان مشترکی به شمار می روند که احادیث و گزارشهای نقل شده از ایشان هم در کتب شیعه و هم کتب اهل سنت یافت می شود. مورخانی مانند ابن اسحاق (م. ۱۵۱)، ابو مخنف (م. ۱۵۷)، کلبی (م. ۲۰۴)، واقدی (م. ۲۰۷) از جمله نویسندگانی اند که در مطالعات مربوط به صدر اسلام چاره‌ای جز مراجعه به منقولات و کتابهای ایشان نیست. علاوه بر این عده، برخی از مورخان در رده پائین تر، چنین اقبالی را یافته اند که به رغم تفاوت مذهبی، منقولاتشان در کتابهای گروه مخالف راه یابد. یکی از این افراد که منابع شیعی به امامی بودن وی تصریح کرده اند محمد بن زکریای غلابی (م. ۲۹۸) است که روایات وی در کتابهای شیعیان و اهل سنت انعکاس یافته است. در زیر به معرفی این نویسنده پرداخته، زمینه فعالیت و سبب رواج روایات وی در کتاب‌های فریقین را بررسی می کنیم.

۱. محمد بن زکریا غلابی

خاستگاه، محل رشد و سکونت محمد بن زکریا بن دینار غلابی شهر بصره بود. به زمان

دقیق ولادت وی تصریح نشده است، اما درگذشت او به نوشته نجاشی در ماه شوال سال ۲۹۸ ق و در بصره روی داد (نجاشی، ۳۴۷).

محمد بن زکریا را معمولاً با صفت «اخباری» توصیف کرده اند که نشان می دهد او در کار کتابت تاریخ بوده است.^۱ ابن حبان او را «صاحب حکایات و اخبار» دانسته (ابن حبان، ۱۵۴/۹)، ابن ندیم از او در بخش «اخباریان» فهرست خویش یاد کرده (ابن ندیم، ۱۲۱)، نجاشی او را اخباری و پر علم (نجاشی، ۳۴۶) و ذهبی او را علامه و راوی اخبار معرفی کرده است (ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ۲۵۹/۲۱). مسعودی نیز در ابتدای مروج الذهب چون از فعالیت های تاریخی و مورخان نام می برد، در شمار ایشان، نام محمد بن زکریای بصری را می آورد (مسعودی، ۲۱/۱).

غلابی در نگارش فعال بود و کتابهایی در تاریخ نوشته که نام ۱۵ اثر او در فهرست ابن ندیم (۱۲۱) و رجال نجاشی (۳۴۷) آمده است.^۲

۲. مذهب و اعتبار

منابع رجالی شیعی، غلابی را شیعه دانسته و در این زمینه تردید نکرده اند. منابع سنی نیز به این گرایش اشاره کرده اند. نجاشی وی را از چهره های شاخص شیعیان امامی در بصره معرفی کرده («و كان هذا الرجل وجهاً من وجوه أصحابنا بالبصرة») و گوید که

۱. واژه «مورخ»، به معنای تاریخ نویس در رجال نجاشی نیامده است. معادل این واژه در قرن سوم و چهارم، واژه «اخباری» بوده است که نجاشی برای هشت تن از جمله ابومخنف (ص، ۳۲۰) و جلودی (ص، ۲۴۰) به کار برده است.
 ۲. نجاشی برای وی دوازده کتاب، بدین شرح برشمرده است: ۱. *الجمل الکبیر*، ۲. *الجمل المختصر*، ۳. *کتاب صفین الکبیر*، ۴. *کتاب صفین المختصر*، ۵. *مقتل الحسین علیه السلام*، ۶. *کتاب النهر*، ۷. *کتاب الوافدین*، ۹. *مقتل امیر المؤمنین علیه السلام*، ۱۰. *اخبار زید*، ۱۱. *اخبار فاطمه علیها السلام و منشوها و مولدها*، ۱۲. *کتاب الجبل؟*.
 در میان کتابهایی که ابن ندیم برای غلابی برشمرده سه کتاب در رجال نجاشی یاد نشده است که عبارتند از: *کتاب الحره*، *کتاب التوابین و عین الورد*، *کتاب المبحلین*. در فهرست نجاشی نیز پنج کتاب وجود دارد که ابن ندیم از آنها یاد نکرده است این کتابها عبارتند از: *کتاب النهر*، *کتاب الوافدین*، *اخبار زید*، *اخبار فاطمه*، *کتاب الجبل* (نجاشی، ۳۴۷).

وی اخباری و پر اطلاع بوده و کتابهای بسیاری نوشته است (نجاشی، ۳۴۷). سمعانی می گوید که از بعضی از حقاظ شنیده که غلابی منتسب به تشیع بوده است (سمعانی، ۹۵/۱۰). ابن داود در رجال (۳۱۱)، علامه حلی در خلاصه (۱۵۶)، و شوشتری در قاموس (۲۶۸/۹) در باره شیعه بودن وی شبهه ای نکرده و همان تعبیر نجاشی را در باره وی به کار برده اند. تنها ابن شهر آشوب، روایتی در باره حضرت مهدی را که نام غلابی در صدر سند آن قرار دارد، از جمله روایات نقل شده توسط عامه در موضوع مهدویت دانسته است (ابن شهر آشوب، ۳۴۷).

ابن ندیم او را صادق و ثقه معرفی کرده است (ابن ندیم، ۱۲۱)، هر چند رجال نویسان اهل سنت در باره وثاقت وی دو گونه اظهار نظر کرده اند. ابن حبان او را در شمار ثقات آورده و در باره وی گفته اگر از افراد ثقه روایت کند، حدیثش معتبر است، زیرا که در روایات وی از افراد ناشناخته، مطالب ناخوشایندی وجود دارد («لأنه فی روایتة عن المجاهیل بعض المناکیر») (ابن حبان، ۱۵۴/۹)، اما عده ای دیگر وی را در شمار ضعفا یاد نموده و او را متهم به وضع حدیث کرده اند (ابن جوزی، ۴۲۱/۱؛ ابن حجر، ۱۱۶/۶). ابن منده در باره وی توقف کرده و گفته که در باره وی سخن است («تکلم فیه»). دارقطنی نوشته که وی حدیث وضع می کرد (دارقطنی، ۳۶۸). ذهبی نیز او را ثقه نمی داند (تاریخ الاسلام؛ ۲۹۷/۶) و گفته وی در شمار ضعفا است (همو، میزان الاعتدال، ۵۵۰/۳). حاکم نیشابوری در تاریخ خویش حدیثی از طریق محمد بن زکریا غلابی نقل کرده و در باره سند آن گفته که روایانش ثقه اند جز غلابی که وی آفت این سند است (ابن حجر، ۱۱۷/۶؛ امینی، ۱۰۸/۱۰).

چنین به نظر می رسد که تضعیف های مطرح شده از سوی نویسندگان اهل سنت در باره غلابی - همانند دیگر نویسندگان شیعی - بدان جهت است که وی پاره ای از احادیث و روایات را در باره ائمه به ویژه امام علی(ع) که در تایید مذهبی شیعیان کاربرد داشته نقل کرده است.

۳. تاریخ نگاری

غلابی بر خلاف برخی مورخان پرکار شیعه مانند عبدالعزیز بن یحیی جلودی (م. ۳۳۲)، که مورد بی‌اعتنایی و یا غفلت-کامل نویسندگان اهل سنت قرار گرفته است، از سوی این گروه از نویسندگان نادیده گرفته شده و برخی گزارشهای نقل شده توسط او به منابع اهل سنت راه یافته است. نویسندگان شیعی و سنی هر کدام تنها به بخش‌هایی از اخبار نقل شده از وی که همسو با اعتقاداتشان بوده، مراجعه کرده‌اند؛ منابع شیعی گزارشهای مربوط به فضائل امام علی و ائمه را از غلابی نقل کرده و اخبار دیگر وی به ویژه آنچه متضمن فضائل خلفا می‌شده را قلم گرفته‌اند، نویسندگان اهل سنت نیز کمتر سراغ موارد نقل شده از غلابی در باره ائمه را گرفته و گزارشهای تاریخی مربوط به غیر از ائمه را از وی نقل کرده‌اند. در واقع روایات گرد آمده توسط غلابی آمیخته ای از اخبار گوناگون بوده که چنین فرصتی را به نویسندگان مختلف به دست می‌داده تا بتوانند، آنچه را مورد نیازشان است، از آن میان به تناسب اعتقاداتشان انتخاب نمایند. یکدست نبودن اخبار نقل شده از وی بیانگر این است که وی اخبار گوناگون را جمع و در نقل احادیث کمتر به قلم گرفتن آنها مبادرت می‌کرده است. بنابر این هر چند نجاشی او را از وجوه اصحاب شیعه در بصره دانسته است، اما با نگاه به روایات بر جای مانده از غلابی می‌توان وی را در زمینه نقل روایات، کمتر تحت تاثیر عقاید دینی خود دانست؛ او مطالب مختلفی را به تناسب، از مشایخ خویش که دارای گرایشهای مختلف مذهبی بوده‌اند شنیده و نقل کرده است. با توجه به روایات او، می‌توان نتیجه گرفت که وی علاقه داشته در زمینه‌های مختلف، اخبار را گرد آورده و به نسل‌های بعد منتقل نماید، گرچه تمایلات شیعی داشته؛ اما در شمار شیعیانی که از خلفای سه‌گانه اجتناب می‌کنند و گاه به آنها می‌تازند، نبوده و روایاتی نقل کرده که بیانگر مناسبات حسنه و نیکو میان صحابه است.

ویژگی‌های تاریخ نویسی غلابی

کتابهایی که فهرست نویسان برای غلابی بر شمرده اند، همگی دارای عناوین تاریخی است، اما متأسفانه هیچ یک از این کتابها باقی نمانده و تنها با جستجو در منابع بعدی می توان به اقوال و روایات غلابی دست یافت و با بررسی همین موارد می توان به سبک و سیاق و ویژگیهای کار وی پی برد که در زیر به برخی از این موارد اشاره می شود:

- گرایش به داستان سرایی یکی از ویژگیهای اخبار غلابی است که بیشتر در روایات مربوط به سیره نبوی به چشم می آید. حادثه «شق صدر» که توسط غلابی در خبری بلند و داستانی نقل شده است از نمونه این اخبار است. مطالب و اطلاعات موجود در این خبر به گونه ای است که بیهقی در *دلائل النبوه* و ابن عساکر در *تاریخ دمشق* هر چند آن را خود نقل کرده اند، اما تصریح کرده اند که مطالب آن غیر معمول است و در کتابهای رایج سیره یافت نمی شود (بیهقی، ۱۳۲/۱؛ ابن عساکر، ۴۷۴/۳). داستان دیگر مربوط به بعثت رسول خداست که بنابر این داستان، جبری در یمن، خبر آن را به ابوسفیان و عباس بن عبد المطلب که برای تجارت به آن سرزمین رفته بودند، می دهد (ابن کثیر، ۳۱۸/۲). همچنین غلابی در یک خبر تفصیلی و داستانی به گزارش خبری می پردازد که رسول خدا، امام علی و ابوبکر برای فراخوانی قبایل به اسلام به بیرون مکه می روند و با «مفروق بن عمرو» که فرد چندان شناخته شده ای نیست، دیدار و او را به اسلام دعوت می کنند. در این داستان ابوبکر نقش بارزی ایفا می کند و چهره‌ای که از او ترسیم می شود، فردی است آگاه به انساب عرب به گونه ای که کسی در این باب به پای وی نمی رسد (ابونعیم، ۲۸۲/۱). او همچنین راوی داستان بلوهر و بوداسف است که شیخ صدوق در *کمال الدین* آن را به صورت کامل و در ۶۲ صفحه

نقل کرده است.^۱

غلابی روایتی داستانی از معجزات و کرامات امام علی (ع) به نقل از سلمان گزارش می‌کند که بر اساس آن، امام علی و سلمان بر اسب بال دار سوار شده، به اقصی نقاط جهان می‌روند و امام معجزات خود را در مناطق مختلف به سلمان نشان می‌دهد (مجلسی، ۵۱/۴۲). بنابر روایتی دیگر در همین داستان، امام علی، امام حسن، امام حسین، محمد بن حنفیه، محمد بن ابی بکر، عمار، مقداد، و سلمان فارسی - که حلقه اصلی یاران امام علی را تشکیل می‌دادند - بر ابری سوار شده، بر گرد جهان و از آن جمله اماکن سکونت انبیای پیشین می‌گردند و معجزات فراوانی از امام علی در این سفر مشاهده می‌کنند (عاملی، ۵۲۶/۳).

نقل این روایات به صورت داستانی و بلند که در آنها جزئیات حوادث آن بیان شده، نمایانگر آن است که تاریخ نویسی غلابی در زمینه هایی به داستان سرایی کشیده شده که بخشی از این موارد مربوط به حوادث دوران جاهلی است. ظاهراً چون در این برهه گزارشها در باره رسول خدا اندک بوده، نویسندگان و سازندگان روایات تمایل داشته‌اند، داستانهایی را به عنوان تاریخ ارائه کرده و بدین وسیله خلأ کمبود اطلاعات مربوط به آن دوره را پر نمایند.

- گرایش دیگر غلابی، که می‌تواند به نحوی امتداد تمایل به داستان سرایی باشد، علاقه مندی او به شعر و اخبار شاعران است. غلابی به صورت گسترده اخبار شعرا را نقل کرده است که اکثر این شعرا نیز ارتباطی با جریان مذهبی شیعه ندارند. نقل گسترده اخبار شعرا نشانگر آن است که برای وی فراتر از اخبار مذهبی، تاریخ و اخبار محض

۱. داستان شاهزاده ای هندی که به رغم میل پدر به دین می‌گروود و مناصب را ترک می‌کند. صدوق این داستان بلند را برای نشان دادن نمونه هایی از غیبت که در جوامع پیشین رخ داده آورده است. (کمال الدین، ص ۵۷۷ تا ۶۳۸).

نیز مهم بوده است. هر چند در کتابهایی که فهرست نگاران برای وی بر شمرده اند کتابی در زمینه اخبار و شرح حال شاعران وجود ندارد، اما شعر پژوهی مانند ابوالفرج اصفهانی در *اغانی* تعداد زیادی از این موارد را نقل کرده است. بنابر این می توان حدس زد که غلابی در این زمینه نیز کتابی تدوین کرده بوده اما نجاشی تنها کتابهایی را از او بر شمرده که کاربرد مذهبی داشته و از ذکر برخی کتابهای وی که گرایش مذهبی در آن ملموس نبوده، صرف نظر کرده است.

- غلابی هر چند از دانشمندان شیعه به شمار می رود، اما به ندرت اخباری را در ارتباط با متالب صحابه نقل کرده است. گزارش حیلہ عمرو عاص در برابر معاویه برای تداوم ولایتش بر مصر (ابن عساکر، ۴۳۲/۶۲) از جمله این روایات است. به رغم علاقه وی به اخبار، به جزئیات اختلافات صحابه نپرداخته و توجهی به این گونه گزارشات نکرده و آگاهانه از نقل برخی اخبار خود داری کرده است. بنابر این وی را نمی توان شیعه ای که مشروعیت خلفای سه گانه را قبول نداشته، دانست. او هر چند کتابی در موضوع جنگ جمل داشته^۱، اما منابع بعدی اعم از شیعه و سنی، هیچ گزارشی از آن نقل نکرده اند و در موارد برجای مانده از غلابی در منابع بعدی که نسبتا بسیار است، هیچ گزارشی از این کتاب یافت نمی شود تا بتوان جهت گیری و سمت و سوی آن را مشخص کرد.

- غلابی به رغم این که سه امام آخر شیعه را درک کرده، اما اطلاعات و گزارشهایی از ایشان ارائه نکرده است و مطالب نقل شده وی در باره ایشان بسیار اندک است و هیچ ویژگی بارز شیعی در آن مشاهده نمی شود. تنها از امام هادی (م. ۲۵۴) دو روایت نقل کرده که این دو روایت مربوط به پرسش خود غلابی از امام در باره موضوع

۱. مرحوم عبد العزیز طباطبایی از چاپ این کتاب گزارش کرده است (۶۶۰) اما جستجوی نگارنده برای یافتن آن به نتیجه نرسید.

اخلاقی حلم و حزم است که امام به صورت کوتاه به آن پاسخ داده است (نوری، ۲۹۱/۱۱؛ ۱۴۰/۱۲). در باره حضرت مهدی (عج) نیز سه روایت از وی نقل شده که هر سه مربوط به ظهور مهدی (عج) و این که آن حضرت از فرزندان فاطمه است (طبرسی، ۱۶۵/۲؛ گنجی شافعی، ۵۱۰؛ طبرسی، ۴۴۳)، می باشد، اما گزارشی در باره مصداق مهدی از وی نقل نشده است. یاد نکردن از مصداق مهدی، شیوه و منوال رایج بیشتر مورخان اهل سنت است که بدین موضوع می پردازند.

۴. روایات بر جای مانده از غلابی

مجموع روایات بر جای مانده از غلابی در منابع بعدی بیش از ۴۵۰ روایت به صورت غیر تکراری است.^۱ در میان روایات بر جای مانده از غلابی سه دسته روایات را می توان تشخیص داد: الف. روایاتی که کاملاً همسو با عقاید شیعیان است؛ ب. روایاتی که همگرایی مذهبی میان شیعیان و اهل سنت در آن پیگیری می شود؛ ج. روایات تاریخی محض که حساسیتی در باره آنها وجود ندارد. در زیر به نمونه هایی از این موارد می پردازیم:

الف. روایات شیعی. روایات قابل توجهی از غلابی وجود دارد که سازگار با عقاید شیعه و در موضوع مناقب ائمه شیعه می باشد که این موارد معمولاً در کتب حدیثی -تاریخی - شیعه باز تاب یافته است. نمونه هایی از این موارد به شرح زیر است:

- نقل محاجّه ای میان ربیع بن عبد الله از شاگردان امام صادق و عبد الله بن حسن که سرانجام این محاجه آن بود که همانطور که شیعیان امامیه اعتقاد دارند، ربیع بن عبد الله ثابت کرد که امامت منحصر به فرزندان امام حسین (ع) است نه امام حسن (ع). به روایت غلابی امام جعفر صادق این محاجه را نیکو شمرده و ربیع بن عبد الله را می

۱. این موارد همه استخراج شده و مقاله حاضر بر اساس همین اطلاعات تهیه شده است.

ستود (ابن بابویه، ۲۰۹/۱).

- رسول خدا پنج بار پشت سر هم سجده می کند. این رفتار بدان جهت است که جبرئیل هر بار پیام می آورد که خداوند، علی، فاطمه، حسن، حسین و محبان ایشان را دوست دارد. این اخبار که پی در پی و یکی پس از دیگری عرضه می شود، موجبات سجده رسول خدا را به دفعات فراهم می سازد (بحرانی، ۳۳۶/۱).

- غلابی در مناقب امام علی (ع) احادیث بسیاری نقل می کند. از آن جمله: رضوان که فرشته الهی است، به دستور رسول خدا کلیدهای بهشت و جهنم را به امام علی می سپارد (ابن شهر آشوب، ۱۶۱/۲). آن حضرت با خورشید به گفتگو می نشیند و خورشید به بهشتی بودن امام علی و شیعیان وی بشارت می دهد (خوارزمی، ۱۱۳؛ شافعی، ۱۵۷/۱؛ ابن طاووس، ۱۶۵). خورشید برای امام علی باز می گردد تا نمازش را که به جهت مراعات حال رسول خدا، نخوانده بخواند. ولایت آن حضرت جواز عبور از صراط است (ابن مغزلی، ۲۱۹؛ ابن بطریق، ۳۷۰) و منافقین با بغضشان نسبت به علی (ع) شناخته می شوند (ابن عساکر، ۲۸۶/۴۲).

بنابر روایت غلابی، ازدواج امام علی و فاطمه زهرا به دستوری الهی صورت گرفته است و میزان مهر فاطمه زهرا نصف دنیا تعیین گردیده است (طبری، ۹۱). آن حضرت حوریه انسیه ای معرفی می شود که هنگام ولادت فرزند، خون نمی بیند (شیخ حسین بن عبدالوهاب، ۵۸) و از خونهای حیض و نفاس پاک است (صدوق، ۱۸۲).

غلابی ناقل روایتی است که از آن روایت، اسلام ابوطالب فهمیده می شود. موضوعی که خلاف نظر نویسندگان اهل سنت است. ابن حجر در اصابه پس از نقل این حدیث به روایت غلابی، سند آن را واهی دانسته و گوید حدیث در صدد اثبات اسلام ابوطالب نیست (۱۹۹/۷).

به رغم این که منابع سنی از موضع ملایم و طرفدارانه امام سجاد در باره شیخین

گزارش می کنند، بر اساس روایت غلابی چون به امام سجاد عرض شد که مردم افضل افراد را پس از پیامبر به ترتیب ابوبکر، عمر، عثمان و آن گاه امام علی می دانند، امام سجاد این ترتیب را نپذیرفته و می فرمود این ترتیب با حدیث منزلت که امام علی (ع) به منزله هارون برای موسی معرفی شده سازگار نیست، امام در وجه استدلال می فرماید: چه کسی را در ایام موسی می توان نظیر هارون یافت (شیخ صدوق، ۷۴). او همچنین راوی گزارش دیدار جابر بن عبدالله انصاری با امام باقر و ابلاغ سلام آن حضرت به وی است (ابن عساکر، ۲۷۷/۵۴) که منابع شیعی از این خبر، تایید امامت امامان خویش را استنباط کرده اند، اما منابع اهل سنت این روایت را بر ساخته خود غلابی دانسته اند (ذهبی، ۵۵/۳).

همانطور که پیداست منابعی که این روایات را نقل کرده اند یا منابع شیعی هستند و یا منابعی که توسط نویسندگانی مانند خوارزمی (م. ۵۶۸) که تمایلات شیعی داشته و در صدد نقل مناقب ائمه بوده اند، ثبت شده است.

ب. روایات تقریبی. در میان روایات نقل شده از غلابی دسته ای از روایات در صدد ترسیم روابط نیکو میان صحابه است و گرایش به تقریب پیروان این دو مذهب در آن مشاهده می شود. در این گونه روایات، مناسبات میان صحابه خوب ترسیم شده به گونه ای که گویی میان ایشان هیچ اختلافی وجود نداشته است. نقل این گونه روایات از غلابی، توانسته موقعیت وی را نزد نویسندگان اهل سنت بهبود بخشیده و اعتماد آنان را به او جلب نماید. خاستگاه غلابی که شهر بصره بود، می توانسته در جهت گیری تقریبی روایات وی موثر باشد، زیرا آن شهر در برهه ای گرایشات عثمانی داشته است. یک نمونه از این روایات گزارشی است که بر اساس آن، امام علی (ع) وارد مجلسی شده و در پی یافتن جایی برای نشستن است، در میان جمع حاضر تنها ابوبکر برای وی جایی برای نشستن باز می کند که این رفتار را، رسول خدا می پسندد. این حدیث را

که متناسب با مذاق اهل سنت است و لطمه ای به ابوبکر وارد نمی سازد، منابع بسیاری از ایشان با سند غلابی نقل کرده اند (خطیب بغدادی، ۳۲۰/۳؛ ابن عساکر، ۳۶۴/۴۲؛ ابن اثیر، ۳۵۸/۷).^۱

در میان روایات غلابی، گزارشهایی که یک سویه به حمایت از بزرگان اهل سنت پرداخته باشد - جز یک مورد (طبرانی، ۱۷۶/۶) - یافت نمی شود. همان گونه که پیداست این دست اخبار غلابی، به منابع شیعی راه نیافته و تنها منابع اهل سنت از آن بهره برده اند.

ج. تاریخ محض. دسته سوم از روایات وی، شامل اخبار خلفا یا شعرا می شده و جهت گیری مذهبی در آن دیده نمی شود. بیشتر این روایات توسط صولی و ابوالفرج اصفهانی نقل شده است (به ادامه مقاله بنگرید).

۵. نقل روایات غلابی در منابع فریقین

روایات نقل شده از طریق غلابی که در موضوعات گوناگون است، به منابع شیعه و سنی راه یافته و بسامد قابل توجهی داشته است. در زیر مهمترین منابعی که گزارشهای غلابی در آنها منعکس شده، یاد می شود. ابتدا منابع اهل سنت و در ادامه منابع شیعی بررسی می شود:

- طبرانی (م. ۳۶۰)، که شاگرد بلاواسطه وی به شمار می آید در معجم الاوسط و

۱. غلابی روایاتی دیگر با همین موضوع نقل کرده که برخی از آنها عبارتند از: روایاتی که بر محور چهار خلیفه ساخته شده (ابن عساکر، ۱۳۲/۳۹) و تشبیه آنان به انبیای پیشین (خوارزمی، ۱۴۱)، نهی امام علی از سب شیخین (ابن اثیر، ۶۶۱/۳) و نقل توجیهاتی در باره تاخیر بیعت امام علی با ابوبکر (عسکری، ۱۴۵)، اندوه عائشه از شهادت امام علی و گریه شدید وی (اندلسی، ۳، ۱۴۴)، تمجید ملائکه و رسول خدا از همه صحابه (ابن عساکر، ۶۰، ۱۶۸؛ طبرانی، ۱۷۹/۶)، که در صورت صحت انتساب این روایات به غلابی می تواند حاکی از وابستگی وی به جریان میانه رو شیعه باشد.

معجم الکبیر خویش روایات غلابی را نقل کرده است. بیشتر روایات نقل شده غلابی در این دو کتاب در موضوع سیره رسول خدا و حوادث مربوط به آن حضرت است. روشن است موقعیت ممتازی که طبرانی در میان اهل سنت داشته، تاثیر بسیاری در رواج منقولات غلابی میان اهل سنت گذاشته است.

- ابن عساکر (م. ۵۷۱) در تاریخ دمشق روایات زیادی را از غلابی، در موضوعات و درباره افراد مختلفی نقل کرده است و در نقل آنها احتیاط نکرده و روایاتی نیز که برای شیعیان کاربرد داشته، درج کرده است.

- ابن جوزی (م. ۵۹۷) در المنتظم، اخبار تاریخی زیادی را از غلابی نقل کرده است. این موارد همه مربوط به خلفا و یا حوادث ایام ایشان است که صولی (م. ۳۳۵) آنها را از استاد خود غلابی نقل می کند. ابن جوزی در المنتظم هیچ یک از روایات مربوط به فضائل را از غلابی نقل نکرده است. اما در کتاب الموضوعات خویش سخت به غلابی به جهت نقل برخی روایات که مربوط به فضائل افراد می شده تاخته و آن روایات را احادیث ساختگی دانسته است. برخی از روایات غلابی که ابن جوزی ساختگی دانسته از این قرار است: روایتی که رسول خدا، عباس عموی خود را پدر خلفا معرفی می کند و چهل نفر از نسل او را از خلفا می شمرد (ابن جوزی، الموضوعات، ۳۷/۲)؛ روایتی که ابوبکر برای نشستن امام علی جا باز می کند (همان ۱/۱۳۸۰)؛ حدیثی که فاطمه و محبان وی را از آتش به دور می داند که ابن جوزی سازنده این روایت را خود غلابی می داند (همان، ۱/۴۲۱)، حدیث دیدار جابر با امام باقر و ابلاغ سلام رسول خدا به وی (همان، ۲/۴۴)؛ روایتی در ذم بغداد و اهل آن (همان ۲/۶۱)؛ روایتی که گرانی و ارزانی را از جنود الهی می داند (همان، ۲/۲۴۰)؛ شراب خواری یزید (همان، ۲/۲۷۸)؛ ابن جوزی این موارد را از احادیث موضوعه می داند زیرا غلابی در اسناد آن قرار دارد و از نظر او، وی متهم به وضع است.

- ذهبی (م. ۷۴۸) در *تاریخ الاسلام* سه گزارش از غلابی نقل کرده است که هیچ کدام در ارتباط با ائمه یا شیعه نیست. این سه خبر عبارتند از، پر خوری سلیمان بن عبد الملک، عطای هدیه از طرف منصور به ابن هرمه و پاسخ نیک حسن بن رجاء به مأمون. ذهبی چندین مورد دیگر نیز از غلابی یاد کرده است اما این موارد در باره شاگردان و مشایخ وی است (ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ۳۷۹/۶؛ ۲۳۴/۱۵؛ ۱۶۹/۴۴).

- ابن کثیر (م. ۷۷۴) در *البدایه و النهایه* چند روایت نقل کرده که نام غلابی در اسناد آن به چشم می خورد. برخی از این موارد مربوط به سیره نبوی و بعثت رسول خداست، ابن کثیر با روایات غلابی با احتیاط رفتار کرده و روایاتی از وی را که به وضوح می توانسته تأییدکننده مذهب شیعه باشد نقل نکرده است. در این زمینه وی تنها روایت جا باز کردن ابوبکر برای نشستن امام علی را نقل کرده است.

در برابر منابع اهل سنت، منابع شیعی بیشتر به روایات مربوط به فضائل ائمه و سخنان آن بزرگواران که غلابی ناقل آن است توجه کرده اند. برخی نویسندگان شیعی که از غلابی روایت نقل کرده اند عبارتند از:

- کلینی (م. ۳۲۹) در *کافی*. در این کتاب یک روایت از غلابی نقل شده که موضوع آن سخنی از امام علی (ع) در توصیف عاقل است (کلینی، ۵۰/۱۰).

- شیخ صدوق (م. ۳۸۶). یکی از دانشمندان شیعه که روایات بسیاری از غلابی در کتابهای خویش نقل کرده شیخ صدوق است. روایات صدوق با دو واسطه به غلابی می رسد. صدوق در کتابهای *امالی*، *توحید*، *معانی الاخبار*، *علل الشرایع*، *عیون اخبار الرضا* از غلابی روایت نقل کرده است. همچنین صدوق طریق خود به روایت منهیات را که از غلابی نقل می شود، نوشته است (شیخ صدوق، *من لایحضره الفقیه*، ۵۳۲/۴). روایت منهیات، روایتی بلند از رسول خداست که در آن موارد نهی شده در اسلام بیان گردیده است. منابع حدیثی بعد از صدوق معمولاً به نقل از کتابهای صدوق، روایات

غلابی را منعکس کرده اند.

- حسین بن عبد الوهاب (قرن پنجم)، در *عیون المعجزات* در بخش دلائل فاطمه زهرا از روایات غلابی استفاده کرده چنان که طبری شیعی (قرن پنجم)، در *دلائل الامامه* در بخش فاطمه زهرا از روایات وی بهره گرفته است. این موارد قاعدتا از کتاب غلابی در موضوع زندگانی فاطمه زهرا بوده است.

- ابن شهر آشوب (م. ۵۸۸) در مناقب تنها دو روایت از وی نقل کرده است و یکی از آن روایات را که در باره حضرت مهدی است، روایتی دانسته که عامه (اهل سنت) آن را روایت کرده اند (ابن شهر آشوب، *مناقب*، ۲۹۲/۱؛ ۱۶۱/۲) هر چند در *معالم العلماء* وی را از نویسندگان شیعه برشمرده و کتابهای وی را یاد کرده است (ابن شهر آشوب، *معالم العلماء*، ۱۱۷).

کتابهای تاریخی تدوین شده به دست دانشمندان شیعه به ندرت به روایات غلابی استناد کرده‌اند، مثلا شیخ مفید (م. ۴۱۳)، در کتاب *الجمل* از وی هیچ روایتی نقل نکرده است و حال آن که غلابی در این موضوع کتاب داشته است. مفید تنها در کتاب *الارشاد*، یک روایت از وی در موضوع محل قبر امام علی (ع) نقل کرده است (مفید، *الارشاد*، ۲۶/۱). اربلی نیز در *كشف الغمه* هیچ روایتی از او نقل نکرده است.

جدای از دانشمندان شیعی و اهل سنت که روایات غلابی را نقل کرده اند، دو تن از نویسندگان، فارغ از گرایشهای مذهبی به صورت گسترده از اخبار غلابی بهره برده اند. صولی (م. ۳۳۵) که از اهل سنت است، در کتاب *الاوراق* و ابوالفرج اصفهانی (م. ۳۵۶) زیدی مذهب در کتاب *الاعانی* موارد بسیاری را از غلابی نقل کرده اند که این موارد مربوط به اخبار خلفا و شعرا بوده و حساسیتی نسبت به آنها وجود نداشته است.

۶. سبب رواج گزارشهای غلابی

تکرار نام غلابی در اسناد روایات نشان می دهد که وی از مشایخ اجازه و به عنوان

حلقه مشترکی مطرح بوده که میراث پیشینیان را به نسل پس از خویش منتقل کرده است. با توجه به حجم گسترده فعالیت وی، می توان او را استاد و مدرسی در بصره دانست که شاگردان زیادی با خاستگاههای مختلف شرق و غرب جهان اسلام به محضر وی راه یافته و حامل روایات غلابی شده اند. در میان شاگردان وی افرادی از شهرهای مختلف مانند بصره، دمشق، موصل، نیشابور و سمرقند می توان یافت (ابن عساکر، ۳۷۳/۵۷؛ سمعانی، ۸۸/۶؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ۴۸۰/۵).

دو شاگرد برجسته وی در رواج روایات وی نقش عمده داشته اند. این دو عبارتند از طبرانی (م. ۳۶۰)، دانشمند سرشناس سنی و صاحب معجم های معروف (کبیر، اوسط، صغیر) که بیشتر روایات مربوط به رسول خدا را از وی نقل کرده است و ابوبکر صولی (م. ۳۳۵)، نویسنده کتاب الاوراق که به لحاظ مذهبی از اهل سنت به شمار می رود. با توجه به موقعیت طبرانی در میان دانشمندان اهل سنت، نقل روایات غلابی توسط طبرانی نقش عمده ای در راه یابی روایات وی به منابع بعدی اهل سنت داشته است.

همچنین وجود شاگردانی در میان دانش آموختگان مکتب غلابی که به دمشق رفته و گزارشها و کتابهای وی را در آنجا پراکنده اند، در فراگیر شدن روایات وی بی تأثیر نبوده است. در میان شاگردان وی مزاحم بن عبد الوارث عطار، روایات غلابی را در حوزه جغرافیایی شام پراکنده است (ابن عساکر، ۳۷۳/۵۷).

وجود راویان شیعه و پرکاری مانند عبدالعزیز بن یحیی جلودی (م. ۳۳۲)، در میان شاگردان غلابی، در رواج احادیث وی در منابع شیعی موثر بوده است. ضمن آن که روایات قابل توجهی از غلابی به امام جعفر صادق (ع) و یا جابر بن یزید جعفی (م. ۱۲۸) و از آنجا به امام باقر (ع) می رسیده است. رسیدن اسناد روایات وی به امام معصوم به رواج روایات او نزد محدثان شیعه کمک می کرده است. چنان که محتوای بخش هایی از روایت غلابی که کاملاً همسو با عقاید شیعیان قرن چهارم-با گرایش غالیانه- در باره ائمه است نیز، پذیرش و نقل روایات وی را تسهیل می کرده است.

نتیجه

نتایج بدست آمده از این بررسی بدین شرح است:

اخباریانی که به صورت گسترده به نقل روایت های تاریخی پرداخته اند و شاگردانی با خاستگاههای مختلف جغرافیایی از حوزه درسی ایشان استفاده می کرده اند، چنین اقبالی را داشته اند که روایات و مقولات ایشان به منابع بعدی راه یابد. البته چون اخبار آنان، آمیخته ای از گزارشهای گوناگون بوده و می توانسته مورد استفاده گروههای مختلف با عقاید مذهبی متفاوت باشد، هر گروه تنها به نقل و استفاده بخش هایی از اخبار که همسو با دیدگاههای خویش بوده، مبادرت کرده اند.

نکته دیگر این که در حوزه تاریخ نگاری شیعی، به مرور کتابهای تاریخی اخباریان شیعه مانند غلابی، به بوته فراموشی سپرده شده و یا تنها بخش هایی مورد توجه قرار گرفته که می توانسته در معتقدات مذهبی و یا فضائل ائمه کاربرد داشته باشد. این روند همراه با رشد و توسعه تاریخ نگاری فضائل نگارانه، تقویت و سرانجام منجر به حذف نهایی کتابهای تاریخی شده است.

کتابشناسی

ابن اثیر عزالدین، *اسد الغابه فی معرفة الصحابه*، تحقیق علی محمد معوض و ...، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۳.

ابن الجوزی، *المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک*، تحقیق محمد عبد القادر عطا و مصطفی عبد القادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ط الأولى، ۱۴۱۲/۱۹۹۲.

ابن الحبان، *الثقات*، هند، مطبعة مجلس دائرة المعارف العثمانیه، ۱۳۹۵.

ابن بابویه، *علل الشرايع*، تحقیق سید محمد صادق بحر العلوم، نجف، منشورات مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ق.

- ابن بطریق حلی، عمدة عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأبرار، قم، جامعه مدرسین، ١٤٠٧ ق.
- ابن حجر، احمد بن علی، الاصابة فی تمييز الصحابة، تحقیق عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیة، ط الأولى، ١٤١٥.
- ابن حجر، لسان المیزان، محمد عبد الرحمن المرعشلی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ١٤١٦؛ ابن داوود حلی، رجال، تهران، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، ١٣٨٣ قمری.
- ابن شهر آشوب، معالم العلماء، تحقیق محمد صادق آل بحر العلوم، بیروت، دار الاضواء، بی تا.
- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، قم، انتشارات علامه، ١٣٧٩.
- ابن طاووس، علی بن موسی، الیقین، تحقیق الانصاری، قم، مؤسسه دار الکتب، ١٤١٣.
- ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الفکر، ١٤١٧.
- ابن کثیر، ابو الفداء الحافظ، البدایه و النهایه، بیروت، دارالفکر، ١٣٩٨.
- ابن مغزلی، مناقب الإمام علی بن أبی طالب علیه السلام، بیروت، دار الأضواء، ١٤٢٤ ق.
- ابن ندیم، الفهرست، تحقیق رضا تجدد، بی جا، بی نا، بی تا.
- ابوبکر محمد بن یحیی، کتاب الاوراق قسم اخبار الشعراء، تحقیق ج. هیورث. دن، قاهره، الذخائر، ٢٠٠٤. مشخصات جلد دوم: کتاب الاوراق قسم اخبار الراضی بالله و المتقی لله؛ جلد سوم: کتاب الاوراق قسم اشعار اولاد الخلفا.
- ابو نعیم اصفهانی، دلائل النبوة، بیروت، دار النفائس، ١٤١٢.
- احمد بن محمد بن عبد ربه، العقد الفريد، تحقیق مفید محمد قمیحه، بیروت، دار الکتب العلمیه، ١٤٠٧.
- اصفهانى، ابو الفرج، الاغانى، تحقیق سمیر جابر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ١٤٢٢.
- امینی، عبد الحسین، الغدير، قم، مرکز الغدير، ١٤١٦.
- بحرانی، سید هاشم، حلیه الابرار، تحقیق غلامرضا مولانا بروجردی، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ١٤١١.
- بیهقی، احمد بن الحسین، دلائل النبوه، تحقیق عبد المعطی قلجعی، بیروت، دار الکتب العلمیه،

۱۴۰۵.

حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال، تحقیق محمد صادق بحر العلوم، قم، منشورات الرضی،

۱۴۰۲.

خانبابا مشار، فهرست کتابهای چاپی فارسی، تهران، ارژنگ، ۱۳۵۱.

خطیب البغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷.

خوارزمی، المناقب، موفق بن احمد، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۱ ق.

دارقطنی، الضعفاء و المتروکون، منتشره در المجموع فی الضعفاء و المتروکون، تحقیق عبد العزیز عز الدین السیروان، بیروت، دار القلم، ۱۴۰۵.

الذهبی، محمد بن احمد بن عثمان، تاریخ الاسلام، تحقیق عمر عبد السلام تدمری، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۱۲.

ذهبی، محمد بن احمد، میزان الاعتدال، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۸۲.

سلیمان بن احمد الطبرانی، المعجم الکبیر، تحقیق حمدی عبد المجید السلفی، بی تا.

السمعانی، أبو سعید عبد الکریم بن محمد بن منصور التیمی، الأنساب، تحقیق عبد الرحمن بن یحیی المعلمی الیمانی، حیدرآباد، مجلس دائرة المعارف العثمانیه، ۱۹۶۲/۱۳۸۲.

شافعی، ابراهیم بن سعد الدین، فرائد السمطین فی فضائل المرتضی و البتول و السبطین و الأئمة من ذریتهم علیهم السلام، بیروت، مؤسسة المحمودی، ۱۴۰۰ ق.

شافعی، کفایة الطالب فی مناقب علی بن ابیطالب علیه السلام، محمد بن یوسف، تصحیح محمد

هادی الامینی، طهران، دار احیاء تراث اهل البيت، ۱۴۰۴.

شوشتری، محمد تقی، قاموس الرجال، قم، مؤسسه جماعه المدرسین، ۱۴۱۵.

شیخ حسین بن عبد الوهاب، عیون المعجزات، قم، مکتبه الداوری، بی تا.

شیخ صدوق، الامالی، قم، مکتبه اسلامیه، ۱۴۰۴ ق

_____، کمال الدین و تمام النعمه، اسلامیه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۵ ق.

_____، معانی الاخبار، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۷۹

- _____ ، من لا يحضره الفقيه، تحقيق على اكبر غفاري، قم، مؤسسة النشر الاسلامي، بي تا.
- طباطبائي، سيد عبد العزيز، أهل البيت في المكتبة العربية، قم، آل البيت، ١٤١٧.
- طبراني، سليمان بن احمد، المعجم الاوسط، تحقيق ابراهيم الحسيني، دار الحرمين، ١٤١٥.
- طبرسي، إعلام الوري بأعلام الهدى، قم، آل البيت، ١٤١٧.
- طبري، محمد بن جرير، دلائل الإمامة، قم، بعثت، ١٤١٣ ق.
- طوسي، محمد بن حسن، رجال، تحقيق بحر العلوم، نجف، مكتبة الحيدريه، ١٣٨١ ق.
- طهراني، آقا بزرگ، الذريعة الي تصانيف الشيعة، قم، موسسه مطبوعاتي اسماعيليان، بي تا.
- العالمى محمد بن حسن الحر، اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، بيروت، مؤسسة الاعلمي، ١٤٢٥.
- عبد الرحمن بن على ابن الجوزي، الموضوعات، تحقيق توفيق حمدان، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤١٥.
- عسكري، ابو هلال حسن بن عبد الله، الاوائل، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤٠٧.
- عقبلي، محمد بن عمرو، الضعفاء الكبير، تحقيق عبد المعطى امين قلعي، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٨.
- كلينى، الكافى، تهران، اسلاميه، ١٣٦٢.
- مجلسي، محمد باقر، بحار الانوار، طهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٦٢.
- محمد بن حبان بن احمد، كتاب المجروحين، تحقيق محمود ابراهيم زايد، مكه المكرمه، دار الباز للنشر، بي تا.
- مسعودي، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقيق اسعد داغر، قم، دار الهجره، ١٤٠٩.
- مفيد، الارشاد، قم، مؤسسة آل البيت، ١٤١٣.
- _____ ، الجمل، تحقيق سيد على مير شريفى، قم، المؤتمر العالمى لافيه الشيخ المفيد، ١٤١٣.
- نجاشي، احمد بن على، رجال النجاشي، قم، جامعه مدرسين، ١٤٠٧ ق.
- نورى طبرسي، مستدرک الوسائل، ميرزا حسين (م. ١٣٢٠)، قم، آل البيت، ١٤٠٨.
- ياقوت حموي، معجم الادباء، بيروت، دار الغرب الاسلامي، ١٤١٤.